

مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی و آراء دادگاه اروپایی حقوق بشر

محمود صابر^{*۱}، حسین ناظریان^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۸/۱۰

دریافت: ۹۲/۹/۱۷

چکیده

اجرای عدالت در مدت معقول از اصول اساسی دادرسی کیفری محسوب می‌شود. مفهوم معقول بودن مهلت دادرسی آن است که با صرف مدت زمانی متعارف بتوان به پرونده رسیدگی کرده و از این طریق عدالت را برقرار ساخت. اما تعیین این‌که چه مهلت زمانی، متعارف و معقول است امر آسانی نیست. در مقاله حاضر سه معیار نوعی (عینی) و ذهنی (شخصی) و مختلط (بینابین) به‌عنوان محکی جهت تشخیص معقول بودن دوره دادرسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند؛ بدین معنا که در معیار عینی تأکید بر تعیین مهلت دادرسی توسط مقنن است. در معیار ذهنی اوضاع و احوال هر پرونده است که مهلت معقول متناسب با آن پرونده را تعیین می‌کند و می‌تواند از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت باشد. سرانجام معیار مختلط از هر دو عامل فوق بهره می‌گیرد. اصل مزبور در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هم به‌عنوان یک حق به‌ویژه نسبت به شاکی و هم به‌عنوان یک تکلیف برای دیوان در نظر گرفته شده است. اهمیت این اصل موجب شده است که علاوه بر نقض رأی صادر شده -تا آن‌جا که عدم رعایت آن به سلامت دادرسی و یا صحت آن خلل وارد سازد- حکم به جبران خسارت محکوم‌علیه داده شود.



واژگان کلیدی: مهلت معقول، دادرسی بین‌المللی، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان اروپایی حقوق بشر

۱. مقدمه

یکی از شرایط مهم بهره‌مندی از حق محاکمه عادلانه، رسیدگی به دعاوی و شکایات در اسرع وقت و مهلت معقول است [۱، ص ۱۴۹]. لزوم رعایت این اصل از جمله الزاماتی است که در اسناد حقوق بشر به آن اشاره شده است. انعکاس این اصل در مراحل تحقیقات مقدماتی و دادرسی وجود دارد [۲، ص ۲۰۶].

اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی دستگاه قضایی کشور است، به طوری که منشأ تضییع حقوق و اعمال غرض بوده، سبب می‌شود که خدمات قضایی مناسب تلقی نشود و به نارضایتی در اجرای عدالت منجر گردد. بنابراین، ضرورت رفع این معضل و درمان آن باید در اولویت‌های مسئولان قضایی قرار گیرد تا با استفاده از نظریات اندیشمندان حقوق و تلفیق آن با رهنمودهای صاحبان تجارب قضایی گام‌های اساسی در این راه برداشته شود.

منظور از این اصل آن است که با صرف مدت متعارف بتوان به پرونده رسیدگی کرده، از این طریق عدالت را برقرار ساخت. به عبارت دیگر، رسیدگی به یک پرونده در مدتی انجام گیرد که از نظر قانون و عرف مطلوب باشد [۳، ص ۱۰۹]. در این بین، چنین اصلی می‌تواند تضمین‌کننده عدالت در رسیدگی‌های کیفری باشد.

در یک نظام دادرسی می‌توانیم اهداف کشف حقیقت به هر نحو، رسیدگی در زمانی معقول و متعارف یا اندک و با صرف هزینه کم با هر نتیجه‌ای را در ذهن داشته باشیم [۴، ص ۲۹۱-۲۹۲].

عدم رعایت مهلت مناسب در رسیدگی‌های کیفری برخلاف دعاوی مدنی قابل توجیه نیست؛ چرا که رسیدگی با تأخیر و با گذشت مدت طولانی از تاریخ وقوع جرم، اثر بازدارندگی و ارعابی مجازات را از بین برده، موجبات تجری افراد و ناامیدی و بی‌اعتمادی مردم به دستگاه قضایی را فراهم خواهد ساخت [۵، ص ۲۸۲]. نظام قضایی

جهت اطمینان از این‌که متهم زمان کافی برای تهیه دفاع داشته است، باید شرایطی را در نظر بگیرد که وی بتواند در زمان معقول، دفاعیات خود را مهیا سازد.

مهلت معقول در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چنان در سنجش عدالت مهم بوده که کشورهای اروپایی را بارها به میز محاکمه دیوان اروپایی حقوق بشر کشانده است و آن‌ها ناگزیر شدند، حتی در تشکیلات قضایی خود تغییرات بنیادین ایجاد کنند؛ چرا که اقامه‌کننده دعوا انتظار داردادگاه بدون تأخیر تکلیف کار را معین کرده، حقیق را در اسرع وقت به او برگرداند [۴، ص ۳۰۱ و ۳۰۲].

دیوان کیفری بین‌المللی نیز سعی در تضمین این اصل داشته است. این امر در قسمت «ج» از بند یک ماده ۶۷ اساسنامه دیوان آمده است. در آیین دادرسی و ادله دیوان نیز مصادیقی از این اصل را می‌توان دید که از جمله می‌توان به بندهای یک و دو ماده ۱۵۰ اشاره کرد.

۲. مهلت معقول دادرسی: مفهوم، مبانی و عوامل مؤثر بر عدم

رعایت آن

صدور رأی در مهلت معقول در تضمین دادرسی عادلانه نقشی تعیین‌کننده دارد، زیرا تأخیرهای ناروا ممکن است سبب از دست دادن ادله یا ضعف حافظه و فراموشی شهود گردد [۶، ص ۳۳۶]. توجه به مفهوم مهلت معقول کمک بسزایی در درک میزان عادلانه بودن دادرسی‌های کیفری در کشورهای مختلف می‌کند.

۲-۱. مفاهیم

رسیدگی در مهلت معقول بدین معنا است که باید مدت رسیدگی از ابتدا تا انتها متعارف و معقول باشد [۷، ص ۱۲]. مهلت معقول در برابر اطاله و سرعت ناموجه در دادرسی است؛ زیرا فرض می‌شود که در یک مهلت معقول و متناسب با وجود سایر شرایط -



می‌توان به دادرسی عادلانه دست یافت. به دیگر سخن، مهلت معقول بیانگر آن است که فرایند دادرسی نباید در مدت زمان طولانی و یا کوتاه صورت گیرد، بلکه باید حسب پیچیدگی پرونده و رفتار متهم و اعمال مقامات صالح قضایی مدت زمان آن تعیین گردد. برای روشن شدن مفهوم معقول بودن مهلت دادرسی کیفری، لازم است مفاهیم اطاله دادرسی و سرعت ناموجه مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱-۱. اطاله دادرسی

طولانی شدن غیرمتعارف جریان رسیدگی به پرونده‌ها در مراجع قضایی را اطاله دادرسی می‌گویند. عواملی که به نحوی سبب کندی جریان رسیدگی شده و گاه تا مدت‌های جریان دادرسی را به کلی متوقف می‌سازند، عوامل اطاله دادرسی نام دارند [۸، ص ۱]. توجه به پدیده اطاله دادرسی و لزوم جلوگیری از آن بدین جهت حائز اهمیت است که دو عامل در تشخیص عادلانه بودن دادرسی مؤثر است: زمان و هزینه [۸، ص ۳۰۱]. اطاله دادرسی نه تنها بر عامل زمان اثرگذار است، بلکه موجب افزایش هزینه‌های دادرسی نیز می‌شود.

۲-۱-۲. سرعت ناموجه

موضوع مورد توجه دیگر، منع رسیدگی به امر کیفری در مدتی کمتر از زمان متعارف و معقول است؛ به طوری که دقت فدای سرعت نگردد. هرچند سرعت بخشیدن به دادرسی و رسیدگی از اهمیت بالایی برای جامعه، حکومت و اصحاب دعوا برخوردار است، اما رعایت اصل تسریع در رسیدگی باید به گونه‌ای باشد که اصولی چون حق دفاع مخدوش نگردد [۹، ص ۱۸].

در پرونده چادی [۱۰] وی شکایتی را تسلیم کمیته حقوق بشر کرد که در آن ادعا شده بود که رسیدگی‌ها با سرعتی غیرمعمول انجام شده بودند. پاسخ کمیته به این مسأله که آیا حق بهره‌مندی از زمان کافی برای آماده سازی دفاع نقض شده است یا

خیر، منتفی بود. این قضیه به خوبی نشان‌دهنده آن است که سرعت ناموجه نیز بر حقوق طرفین در رسیدگی تأثیرگذار است.

۲-۲. مبانی مهلت معقول دادرسی

رسیدگی در مهلت معقول که می‌توان آن را یکی از حقوق بنیادین بشر تلقی کرد [۴، ص ۳۰۴]، دارای مبانی مختلفی است که در ذیل به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱. اصل برائت

از جمله اصولی که حقوق کیفری بر آن استوار بوده، از معیارهای اعمال عدالت محسوب می‌گردد، اصل برائت است [۱۱، ص ۶۶]. اصل برائت مبتنی بر حفظ امنیت و کرامت انسان است و بر اساس آن، شخص بیگناه فرض می‌شود، مگر این‌که خلافش ثابت شود [۱۲، ص ۳۱۳ و ۳۱۴]. بنابراین، اصل برائت را می‌توان یکی از مبانی مهلت معقول دادرسی کیفری دانست. اصل برائت یک اصل عقلی است که از عدالت حقوقی ناشی می‌شود. در بسیاری از دعاوی کیفری، فصل خصومت و احقاق حق جز از طریق دادرسی عادلانه امکانپذیر نیست [۱۱، ص ۶۷]. عدالت اقتضا دارد که در جریان دادرسی به طرفین خصوصاً متهم، مهلت معقول برای ارائه دلیل داده شود و الاً دادرسی در معرض نقض اصل برائت قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲. نظم عمومی

حقوق کیفری رابطه نزدیکی با نظم عمومی دارند و به طور دقیق‌تر ریشه در نظم عمومی دارند. بدین جهت قواعد دادرسی کیفری دارای جنبه الزامی هستند. مدت دادرسی از دو جهت به نظم عمومی مرتبط است: اولاً دادن مهلت معقول به اشخاص دخیل در دادرسی‌های کیفری فرصت لازم برای جمع‌آوری دلایل را اعطا می‌کند. ثانیاً موجب اعتماد مردم به نهادهای درگیر در دادرسی از قانونگذاری گرفته تا اجرای احکام



می‌گردد. بنابراین، رابطه نظم عمومی و مهلت معقول به‌عنوان جلوه‌ای از دادرسی عادلانه، دو سویه است.

۲-۳-۲. کسب نشاط و رغبت از دادرسی

اهمیت دادن به مدت دادرسی نه‌تنها در رضایت خاطر اصحاب دعوا مؤثر است، بلکه موجب می‌شود از لحاظ سیاسی، مردم به قوای حاکمه اعتماد بیش‌تری کنند و با طیب نفس رأی آن‌ها را بپذیرند. بدیهی است حصول نتیجه وقتی مطلوب و مؤثر است که در حال نشاط فراهم آید؛ اما بعد از آن‌که زاید بر حد انتظار به زول انجامد، ذیحق برای رسیدن به حق خود محنت‌های فراوان دیده، دیگر از حکمی که بر حقانیت او صادر شده است، چندان خشنود نیست [۴، ص ۳۰۲]. حصول نتیجه در حال نشاط و رغبت را «مشروعیت از لحاظ نتیجه» می‌گویند که یکی از معیارهای مهم در عادلانه بودن دادرسی است [۴].

۲-۲-۴. کرامت انسانی

کرامت انسانی، حیثیت و شرافتی است که انسان به جهت نوع آفرینش خود از آن برخوردار بوده، تمام انسان‌ها به طور فطری و یکسان از آن بهره‌مند هستند [۱۳، ص ۹۶ و ۹۷]. احترام به کرامت انسانی و حفظ امنیت و آزادی اقتضا دارد که دادرسی عادلانه‌ای تحقق یابد که ضامن حقوق افراد باشد [۱۴، ص ۱۲۸] و تحقق چنین دادرسی منوط به داشتن مهلت معقول برای هریک از افراد شرکت‌کننده در دادرسی کیفری است تا حقوق و آزادی‌های آنان تضمین شود.

۲-۳-۳. عوامل مؤثر بر عدم رعایت مهلت معقول

عواملی بر فرایند رسیدگی مؤثرند. گاه این عوامل موجب سرعت معقول بر جریان رسیدگی می‌شوند، مانند وجود قوانین روشن و دقیق که مهلت‌های دادرسی را به‌خوبی

بیان می‌دارند و یا وجود قضاتی باتجربه و آگاه بر قوانین که آن را به اجرا در می‌آورند. گاهی این عوامل موجب سرعت ناموجه و یا اطاله رسیدگی‌ها نیز می‌شوند. وجود قوانین و رویه‌های مبهم و پیچیده، فقدان زیرساخت‌های مناسب، تأثیرپذیری جریان رسیدگی از یک امر سیاسی یا اجتماعی، احساس عدم مسئولیت برخی از قضات [۱۵، ص ۳۸۵] و... از این نمونه‌ها است. ذیلاً به دو مورد که بر مهلت معقول رسیدگی‌ها تأثیر منفی می‌نهند، اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۲. صدور آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های کلی مبنی بر تسریع در رسیدگی‌ها برخی از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که صرفاً به سرعت در رسیدگی بدون ارائه راه‌حل مناسب اشاره دارند نیز بر عدم رعایت مهلت معقول مؤثرند.^۱ در این دستورالعمل‌ها که صرفاً جنبه اداری و تشکیلاتی به خود گرفته است چه بسا که دقت فدای سرعت شود. نکته مهم آن است که ارائه این فرامین باید با عنایت به شرایط حاکم بر جامعه، پرونده‌ها و... باشد و در آن‌ها راه‌حل‌هایی ارائه شود که هدف، اجرای حق و عدالت باشد، نه کوتاه کردن دادرسی و ارائه آمار بالا از پرونده‌های مختوم.

۲-۳-۲. حجم زیاد پرونده‌ها و محدودیت زمانی برای مطالعه

دلایلی چون کثرت منابع قانونی، حجم بالای پرونده‌ها و محدودیت زمانی برای مطالعه آن‌ها برای قضات و همچنین نبود ساز و کار مناسب برای مطالعه پرونده قبل از رسیدگی به آن [۱۶، ص ۳۶] اولاً باعث عدم اشراف کامل قضات بر پرونده شده و ثانیاً ممکن است به آرای ناصواب و متعاقب آن نقض رأی در مراحل دیگر منجر شود که موجب اطاله دادرسی می‌گردد [۱۷، ص ۳۲]. بنابراین لازم است حجم پرونده‌های مورد

۱. از نمونه‌های چنین دستورالعمل‌هایی می‌توان به دستورالعمل شماره ۱/۵۸/۱۶۴۱۶ قوه قضاییه اشاره کرد که در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۷ صادر و در روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۵ منتشر شده است و حاوی طرح جامع رفع اطاله دادرسی در امور کیفری به قضات کشور است.

رسیدگی کاهش یابد تا کیفیت رسیدگی جای کمیت را بگیرد.

۳. جایگاه مهلت معقول در دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان

اروپایی حقوق بشر

یکی از الزامات موجود در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، لزوم رسیدگی در مهلتی معقول است [۱۸، ص ۱۵۸]. محاکمه در مهلت معقول، در دادرسی‌های بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا برای محاکم بین‌المللی بنا به دلایل عملی غالباً دشوار یا نامطلوب است که متهمان را با وثیقه آزاد کنند. از این‌رو معمولاً متهمان از زمان دستگیری تا هنگام محکوم یا تبرئه شدن در بازداشت به سر می‌برند [۶، ص ۳۳۷].

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۶ و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در قسمت «ج» بند ۱ ماده ۶۷ به مهلت معقول اشاره کرده‌اند.

در این مبحث ابتدا به «معیار سنجش مهلت معقول» در ادامه «عوامل مخل بر مهلت معقول» و در پایان به «موارد بیان‌کننده مهلت معقول در دیوان کیفری بین‌المللی» خواهیم پرداخت.

۳-۱. معیار سنجش مهلت معقول

تعیین ضابطه این‌که چه مهلتی، معقول به شمار می‌رود، امر مشکلی است. در تعیین مهلت معقول نظر دیوان اروپایی حقوق بشر آن است که هر قضیه را باید با توجه به شرایط پرونده مشخص کرد و می‌توان معیارهایی نظیر میزان پیچیدگی قضیه، نحوه رفتار خواهان و مقامات قضایی با پرونده و شرایط دیگر را در نظر گرفت [۱۹، ص ۹۸]. «همچنین رفتار شخص متهم، نظیر عدم همکاری وی با مقامات قضایی و عدم حضور در جلسه دادرسی می‌تواند به طولانی شدن تحقیقات و تبعاً به طولانی شدن بازداشت کمک کند و در عین حال مهلت معقول نیز به حساب بیاید. نظر کمیسیون اروپایی حقوق

بشر از خلال تصمیمات متعدد بر این بوده است که «مهلت معقول» مفهومی مبهم است که باید با لحاظ اوضاع و احوال در هر مورد خاص بررسی شود» [۲۰، ص ۱۵۸]. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده فارلین علیه ایرلند تصریح می‌کند که در پرونده‌های کیفری، از زمانی که شخصی مورد اتهام واقع شود، مهلت معقول باید رعایت شود و منظور از اتهام^۱، اخطار رسمی‌ای است که از سوی مقامات ذیصلاح داده می‌شود که مدعی ارتکاب جرم از سوی آن شخص است [۲۱]. در ارزیابی معقول بودن، دادگاه سه مسأله را مورد توجه قرار می‌دهد: پیچیدگی پرونده، رفتار شاکی و رفتار مقامات دولتی. دادگاه به طور مجزا آن‌ها را بررسی کرده، سپس مدنظر قرار می‌دهد که آیا در جریان رسیدگی تأخیراتی وجود دارد یا خیر [۲۲، ص ۵۲]. به طور کلی، سه معیار به منظور ارزیابی مهلت معقول در رسیدگی‌ها وجود دارد که عبارتند از: معیار شخصی، معیار نوعی و مختلط. ذیلاً به بررسی این آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱-۱. معیار شخصی^۲

دلایل متعددی چون ماهیت اتهام، جدی بودن اتهامات موجود در پرونده نظیر شرکا و بزه‌دیدگان و... می‌تواند در پیچیدگی پرونده نقش داشته باشد [۲، ص ۲۰۹]. تعیین مدت معقول به شرایط هر پرونده بستگی دارد. قاضی با بررسی پرونده میزان مهلت دادرسی را مشخص می‌کند. در پرونده اسوینارنکو و اسلیادنف علیه روسیه دیوان تصریح می‌کند که متعارف بودن مدت رسیدگی باید در پرتو شرایط پرونده، پیچیدگی آن، رفتار شاکی و مراجع قضایی مورد ارزیابی قرار گیرد. به همین دلیل، دیوان در این پرونده، رسیدگی ابتدایی صورت گرفته را که طی آن شاکی عامداً در رسیدگی به پرونده از ۲۰ می تا ۱۳ آگوست ۲۰۰۳ تأخیر ایجاد کرده بود، ناقض بند یک ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رعایت مهلت معقول رسیدگی دانست [۲۳].

1. charge
2. subjective test



قوانین و مقررات می‌تواند باعث پیچیدگی پرونده‌ها شوند؛ مانند قوانین جدید و مبهم، تلاش برای برقراری تساوی سلاح‌ها^۱، تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و سعی بر قانون مداری کامل و دقیق [۲۴]. از این موارد می‌توان مشکلات دسترسی به اسناد و مدارک و تحلیل آن‌ها و حجم زیاد آن‌ها، رسیدگی به دو پرونده مربوط به یک فرد در دو شعبه از دادگاه و هماهنگی لازم بین این شعبات را نام برد. «دیوان اروپایی در پرونده ژیلین علیه فرانسه» در تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۱ که موضوع آن سلب مالکیت بود و مدت دادرسی آن ۱۴ سال طول کشیده بود بیان می‌کند: «گرچه دادرسی‌های مربوط به سلب مالکیت پیچیده هستند بخصوص زمانی که پرونده در دو مرجع اداری و قضایی در حال بررسی است، مراجع اداری سعی بر آن دارند که دلیل قانونی برای سلب مالکیت فراهم کنند و مراجع قضایی نحوه انتقال و پرداخت غرامت را مورد بررسی قرار می‌دهند. این تداخل دو مرجع می‌تواند باعث طولانی شدن پرونده شود» [۲۵].

بدیهی است محاکمات کیفری بین‌المللی در مقایسه با دادرسی‌های داخلی پیچیده‌تر است، از این رو، تضمین سرعت معقول در فرایند کیفری بین‌المللی حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد [۶، ص ۳۴۲].

در پرونده «انکولسکو علیه رومانی» ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳ [۲۶] متقاضی مدعی بود در رسیدگی به اتهام ارتکاب جعل، نسبت به وی مهلت معقول رعایت نشده است. در این پرونده مشاهده می‌شود که رسیدگی ۱۴ سال طول کشیده است. به همین علت، متقاضی بیان می‌دارد که مراجع داخلی به تنهایی مسئول طول مدت رسیدگی‌ها هستند و پرونده وی فاقد هرگونه پیچیدگی بوده که ۱۴ سال به طول بینجامد. دیوان متذکر می‌شود که معقول بودن رسیدگی‌ها باید در پرتو اوضاع و احوال پرونده تعیین شود از قبیل، پیچیدگی پرونده، رفتار متقاضی و... بر همین اساس، دولت رومانی اظهار داشت که تأخیرات دادرسی بدین دلیل بوده که احکام دادگاه‌های بدوی مکرراً توسط دادگاه

۱. equality of arms. منظور آن است که طرفین دعوا در استفاده از همه امکانات و لوازم مربوط به موضوع مطروح مطروح برابر باشند.

استیناف نقض شده است. بنابراین، می‌توان پذیرفت که پرونده مزبور تا حدی پیچیده بوده است. در نهایت دیوان اظهارات متقاضی را در ارتباط با طول مدت رسیدگی قابل پذیرش دانسته، دولت رومانی را به پرداخت وجوهی به منظور جبران خسارات وارد بر متقاضی محکوم کرد.

در مورد جرائم تحت صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، هرگاه متهم در بازداشت به سر برد رسیدگی سریع به پرونده از اهمیت برخوردار است، زیرا هرچه سریع‌تر به جرائم متهم رسیدگی شود و وضعیت وی روشن گردد به عدالت نزدیک‌تر است. ماده ۶۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «شعبه مقدماتی باید اطمینان یابد که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیرمعقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. اگر چنین تأخیری رخ دهد، دیوان موظف است آزادی مطلق و یا مشروط وی را مورد بررسی قرار دهد».

۳-۱-۲. معیار عینی^۱

معیار نوعی از دو جهت بررسی می‌شود: یکی معیاری را که در قوانین و مقررات دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان اروپایی حقوق بشر در قالب مواد مختلف آمده است. دوم سیاستی را که نظام عدالت قضایی کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان اروپایی حقوق بشر جدای از پرونده‌ای خاص در پیش می‌گیرند.

(۱) **قوانین و مقررات:** منظور از آن، مهلت‌هایی است که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و آیین دادرسی و ادله آن آمده است. به عبارتی، مقررات فوق بیانگر آن است که هر موضوع که در مورد آن مهلتی معین شده، باید در همان مهلت انجام گیرد و در غیر این صورت، مهلت معقول رسیدگی نقض می‌گردد.

(۲) **نظام قضایی:** در بررسی مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین‌المللی، نقش نظام قضایی کشورهای عضو دیوان از اهمیت برخوردار است. برای مثال، یکی از

1. objective test



مواردی که دیوان علیرغم رسیدگی کیفری از سوی دادگاه ملی، می‌تواند به آن رسیدگی کند^۱، تأخیر غیر قابل توجیه در رسیدگی است. ماده ۱۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این باره مقرر می‌دارد: «تأخیری غیر قابل توجیه در رسیدگی وجود داشته است که با توجه به اوضاع و احوال، با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر مغایرت دارد». بنابراین، دیوان در می‌یابد که نظام قضایی کشور مذکور دارای مشکل اساسی بوده و این امر موجب شده است که عملکرد نظام قضایی ماهیتاً با قسمت «ج» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ناسازگار باشد. در این موارد دیوان به قضیه رسیدگی می‌کند.

نظام قضایی هر کشور در تشخیص مهلت معقول در دیوان اروپایی حقوق بشر مؤثر است. در برخی موارد دیوان اروپایی حقوق بشر در می‌یابد که نقض بند یک ماده ۶ کنوانسیون در یک کشور به شکل رویه در آمده است. دیوان در پرونده «بوتازی علیه ایتالیا» در تاریخ ۲۸ جولای ۱۹۹۹ [۲۷] بیان می‌دارد: «از تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۷ که پرونده «کاپارو علیه ایتالیا» [۲۸] مطرح شده بود، دیوان ۶۵ شکایت دیگر در زمینه نقض مهلت معقول در دادگاه‌های مختلف ایتالیا دریافت کرده است. به‌علاوه، براساس مواد ۳۱ و ۳۲ کنوانسیون بیش از ۱۴۰۰ گزارش توسط کمیته وزیران در مورد نقض بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون به طور مشابه ارائه شده است. این دلایل به اندازه کافی بوده تا اثبات کند نظام قضایی ایتالیا با تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون کاملاً ناسازگار است و این نقض تعهد تقریباً به صورت یک رویه در آمده است» [۱۸، ص ۴۷].

به دنبال نقض‌های پیاپی و توصیه‌های مکرر دیوان و کمیته وزیران، ایتالیا بر آن شد که تغییراتی در نظام قضایی خود ایجاد کند که از آن جمله تصویب آیین دادرسی کیفری ۱۹۹۸ بوده است. شیوه‌های خاص رسیدگی با هدف سرعت بخشیدن به دعوای کیفری و جلوگیری از اطاله دادرسی، به‌ویژه در جرائم کم اهمیت، و تدوین مقررات

۱. به این مسأله «عدم تمایل» گفته می‌شود که یکی از معیارهای قابلیت پذیرش یک قضیه نزد دیوان است.

جدید ناظر بر ادله اثبات دعوی کیفری از ابتکارات مهم این قانون محسوب می‌شود [۲۹، ص ۱۷۳].

عملکرد مقامات قضایی و کارمندان بخش اداری نظام قضایی نیز می‌تواند در رعایت یا عدم رعایت مهلت معقول مؤثر باشد. «در پرونده باک علیه آلمان در مارس ۱۹۸۹ [۳۰] دادگاه، دادرسی را به بهانه این‌که شاکی از سلامت روحی و روانی برخوردار نیست، به مدت طولانی به تأخیر انداخت. در این قضیه دیوان اروپایی بیان می‌دارد که وضعیت نامناسب روحی و روانی شاکی دلیل قانع‌کننده‌ای نیست که دادگاه در مدت زمان طولانی هیچ اقدامی را انجام ندهد و دادرسی به تأخیر بیفتد. دیوان معتقد است طولانی شدن دادرسی‌ها به مدت ۱۳ سال یا بیش‌تر از ۶ سال نشان‌دهنده نقض مهلت معقول است که دولت‌ها باید بر طبق تعهدات خود اقداماتی به موقع و مناسب برای رفع این مشکل در نظام قضایی خود انجام دهند» [۱۸، ص ۵۴].

۳-۱-۳. معیار مختلط

منظور از معیار مختلط آن است که به منظور دستیابی به مهلتی معقول، باید مجموع معیارهای عینی و شخصی را مد نظر قرار داد؛ بدین معنا که قاضی ابتدا مواعد و مهلت‌های مقرر در قوانین و مقررات را مورد توجه قرار می‌دهد. در ادامه، هرگاه قانون موعدی را معین نکرد قاضی می‌تواند در چارچوب قانون و به منظور اجرای عدالت موعدی را مشخص سازد.^۱ همچنین در فرضی که تحقیقات یا رسیدگی در مدت اعلامی قانونگذار به دلایل معقولی به پایان نمی‌رسد، تحقیقات یا دادرسی ادامه می‌یابد.

۳-۲. عوامل مخل بر مهلت معقول در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی

عوامل مختلفی ممکن است موجب عدم رعایت مهلت معقول در دادرسی کیفری بین‌المللی گردد. رفتار شخص متهم، نظیر عدم همکاری وی با مقامات قضایی و عدم

۱. این امر با عنایت به محتویات پرونده انجام شده و از پرونده‌ای به پرونده‌ی دیگر متفاوت است.



حضور در جلسه دادرسی می‌تواند به طولانی شدن تحقیقات و تبعاً به طولانی شدن بازداشت کمک کند و موجبی برای نقض مهلت معقول باشد [۲۰، ص ۱۵۸].

۳- ۲- ۱. تهیه کیفرخواست و اصلاح آن

تهیه کیفرخواست از سوی دادستان باید مبتنی بر رعایت مهلتی معقول باشد؛ زیرا ممکن است متهم در بازداشت به سر برد و تأخیر ناموجه موجب نقض دادرسی عادلانه می‌گردد. «در پرونده تالیچ زمان دستگیری وی دو سال طول کشید تا دادستان کیفرخواست را به شکل درست تهیه کرد. تالیچ در برخورد با این تأخیر، خواهان توقف دادرسی علیه خود شد» [۶، ص ۳۴۳]؛ اما دادگاه با این بیان که این مدت خدشه‌ای به حقوق متهم وارد نساخته، درخواست وی را رد کرد.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به رعایت مهلت معقول از سوی دادستان توجه کرده، در ماده ۶۰ مقرر می‌دارد: «شعبه مقدماتی باید اطمینان یابد که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیر معقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد».

اصلاح کیفرخواست از سوی دادستان نیز می‌تواند عاملی بر نقض مهلت معقول باشد. دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده کوواکویچ در ۵ مارس ۱۹۹۸ درخواست دادستان مبنی بر اصلاح کیفرخواست را رد کرد. دادگاه یکی از دلایل رد را چنین بیان کرد که دادگاه باید رعایت حق متهم بر عدم تأخیر دادرسی را تأمین کند و حق دادستان بر اصلاح کیفرخواست نباید به حق متهم بر عدم تأخیر ناموجه لطمه وارد سازد [۶].

۳- ۲- ۲. تحصیل و تهیه ادله

در نقض مهلت معقول دادرسی، تحصیل و تهیه ادله جهت استماع در محاکمه مؤثر است؛ زیرا اولاً دلایل و مدارک مربوط به وقایع پرونده اغلب باید خارج از مقر دادگاه به دست آید و ثانیاً معمولاً باید ترجمه شود [۶]. دیوان اروپایی حقوق بشر بیان داشته که

برخورداری از حق رسیدگی در مهلت معقول هنگامی است که در تمام مراحل رسیدگی هیچ‌گونه تأخیر غیرضروری صورت نگرفته باشد. این تضمین به متهم حق می‌دهد که جمع‌آوری دلایل اتهام از جمله احضار شهود و ثبت اظهارات آنان در حداقل مدت زمان لازم به عمل آید [۳۱، ص ۲۰]. فلسفه این تضمین، ضرورت تعجیل در پایان دادن به اضطراب و احساس ناامنی و بحران روانی-اجتماعی متهم و دیگر زیان‌هایی است که با ایراد اتهام برای او و خانواده‌اش به وجود آمده است [۳۲، ص ۱۳۲].

دادگاه کیفری یوگسلاوی با هدف تأمین محاکمه بدون تأخیر ناروا، در پرونده داکمانویچ در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۷ دستور داد اظهارات شهود نه به‌عنوان دلیل، بلکه برای آگاهی شعبه از پرونده به دادگاه ارائه شود [۶، ص ۳۴۵]. آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی در بند ۳ ماده ۶۴ مقرر می‌دارد که «ادله غیر مرتبط یا غیر قابل استماع از سوی شعبه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد»؛ زیرا بررسی ادله غیر مرتبط چیزی جز اطلاع دادرسی را به همراه ندارد.

۳-۲-۳. قرار بازداشت ناموجه

نه‌تنها صدور قرار بازداشت ناموجه می‌تواند موجهی برای اطلاع دادرسی باشد، بلکه تداوم این قرار به صورت ناموجه ناقض مهلت معقول خواهد بود [۳۳، ص ۱۶ و ۱۷]. در دعوایی علیه دولت روسیه، دیوان اروپایی حقوق بشر به دلیل نقض مهلت معقول در بازداشت، به نفع متقاضی، مبلغ سه هزار یورو به‌عنوان خسارت معنوی و یک‌صد یورو بابت هزینه‌های دادرسی رأی صادر کرد [۳۴، ص ۳۲]. ماده ۶۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به موجه بودن قرار بازداشت و طول مدت آن اشعار دارد که در صفحات قبل این ماده بیان شد.



۳-۳. مصادیق مهلت معقول در دیوان کیفری بین‌المللی و آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

یکی از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها بر قوانین و مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند [۲۹، ص ۱]. بارزترین جنبه آن، بر حقوق اشخاص دخیل در امر دادرسی کیفری به‌ویژه متهم است. دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه و سند آیین دادرسی و ادله، به حق رسیدگی در مهلت معقول توجه کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز ضمن توجه به آن، بسیاری از دولت‌های عضو را محکوم کرده است.

۳-۳-۱. مهلت معقول در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در موارد مختلف به مهلت معقول دادرسی پرداخته است. گاهی رسیدگی ملی به پرونده، ناقض مهلت معقول است. دیوان استثنائاً به پرونده رسیدگی می‌کند. گاهی اساسنامه، مهلت معقول را در ذیل وظایف اشخاص و نهادهای رسیدگی‌کننده بیان می‌دارد و در برخی موارد مهلت معقول را به‌عنوان یک حق در نظر می‌گیرد.

۳-۳-۱-۱. عملیات استثنایی

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در دو مورد به این امر پرداخته است. بدین معنا در مواردی که کشوری شروع به تحقیق یا تعقیب کرده است یا سابقاً یک دادرسی کامل را درخصوص جنایت انجام داده است، در صورت انطباق امر با بندهای «الف» تا «ج» قسمت اول ماده ۱۷ اساسنامه، دیوان به پرونده مذکور رسیدگی خواهد کرد.

۳-۳-۱-۱-۱. قابلیت پذیرش

«قابلیت پذیرش» بدین معنا است که در مواردی دیوان به قضیه‌ای که اصولاً در صلاحیت وی است، رسیدگی نمی‌کند؛ لکن در موارد استثنایی چون عدم توانایی یا عدم

تمایل دولت و عدم مراعات اصول دادرسی عادلانه بین‌المللی، دیوان علیرغم رسیدگی در مرجع ملی، آن رسیدگی را قبول نداشته، خود رسیدگی می‌کند [۲، ص ۷۳-۷۹]. ماده ۱۷ اساسنامه در بند دوم بیان می‌دارد: «تأخیری غیرقابل توجیه در رسیدگی وجود داشته است که با توجه به اوضاع و احوال با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر مغایرت دارد». بنابراین، تأخیر غیر قابل توجیه به‌عنوان یکی از مصادیق عدم تمایل دولت‌ها به رسیدگی و در نتیجه استثنایی بر قابلیت پذیرش دیوان است [۲، ص ۷۴ و ۷۵].

۳-۱-۱-۲. ممنوعیت تعقیب و محاکمه مجدد به خاطر عمل واحد

قاعده ممنوعیت تعقیب و محاکمه مجدد، در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است [۳۵، ص ۸۵]. طبق این قاعده، کسی را نباید دو بار برای یک جرم محاکمه و مجازات کرد [۳۶، ص ۴۷]. قاعده مذکور در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در ماده ۲۰ اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی در سه بند بیان شده و بند «ب» مقرر می‌دارد: «دادرسی مستقلانه و بی‌طرفانه مطابق ملاک‌های شناخته شده حقوق بین‌الملل صورت نگرفته و به شیوه‌ای انجام شده که در اوضاع و احوال مربوط، مغایر با قصد اجرای عدالت نسبت به شخص مورد نظر بوده است». از مصادیق یک دادرسی مغایر با اجرای عدالت را می‌توان دادرسی‌ای دانست که در آن مهلت معقول رعایت نمی‌شود که در این صورت دیوان به پرونده رسیدگی خواهد کرد.

۳-۱-۳-۲. مهلت معقول به‌عنوان تکلیف

اساسنامه دیوان در مواردی رعایت مهلت معقول را بر برخی نهادها تکلیف می‌کند. با توجه به این‌که این نهادها مجری عدالت در سطح بین‌الملل هستند، بنابراین لازم است بر اساس مقرر دیوان عمل کنند تا عدالت اجرا گردد.



۳-۱-۲-۱. بازداشت شخص از سوی دولت عضو

ماده ۵۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به موضوع «مراحل بازداشت در کشور بازداشت‌کننده شخص» می‌پردازد. طبق این ماده کشور عضوی که درخواست بازداشت موقت و یا بازداشت و تحویل شخصی را دریافت می‌کند باید فوراً اقداماتی را برای بازداشت وی وفق قوانین ملی خود و همچنین مقررات مربوط به بازداشت در فصل نهم اساسنامه انجام دهد.

بند «ج» به رعایت حقوق شخص بازداشت شده پرداخته است. یکی از حقوق متهم اجتناب از بازداشت غیرموجه وی و نیز پرهیز از استمرار آن در مهلتی نامعقول است. بنابراین، مطابق ماده ۵۹، دولت عضو در مدت بازداشت، باید مهلت معقول در امر بازداشت را رعایت کند.

۳-۱-۲-۲. رعایت مهلت معقول از سوی شعبه مقدماتی

طبق ماده ۶۰ اساسنامه دیوان، شعبه مقدماتی باید اطمینان یابد که شخص بازداشت شده به جهت تأخیر ناموجه دادستان، مدت غیرمعقولی را قبل از محاکمه در بازداشت نباشد. همچنین مطابق ماده ۶۱ بعد از گذشت مدت زمان متعارف از تسلیم شخص به دیوان و یا حضور داوطلبانه وی، شعبه مقدماتی موظف است جلسه‌ای را به منظور تأیید اتهاماتی که دادستان رسیدگی به آن‌ها را تقاضا کرده تشکیل دهد.

۳-۱-۲-۳. رعایت مهلت معقول از سوی شعبه بدوی

ماده ۶۴ اساسنامه اختصاص به وظایف و اختیارات شعبه بدوی دیوان دارد و مقرر می‌دارد که شعبه بدوی باید مراقبت کند که محاکمه به نحو مطلوب، سریع و با رعایت کامل حقوق متهم انجام شود. همچنین این شعبه باید پس از تبادل نظر با طرفین پرونده، شیوه‌ای را برای دادرسی انتخاب کند که رسیدگی مطلوب و سریع به پرونده را تسهیل کند.

۳-۱-۳. مهلت معقول به‌عنوان یک حق

امروزه رسیدگی به یک موضوع در مهلتی معقول به‌عنوان یکی از حقوق متهم و بزه‌دیده شناخته می‌شود [۳۴، ص ۱]. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز همسو با این جریان به حقوق متهم در رسیدگی‌های خویش پرداخته است. ماده ۶۷ اساسنامه که با نام «حقوق متهم» است، اشعار می‌دارد که «برای احراز هر اتهامی، متهم این حق را دارد که با رعایت مقررات این اساسنامه به صورت علنی و منصفانه و بی‌طرفانه و با رعایت حداقل تضمینات زیر در مساوات کامل محاکمه شود...». در قسمت «ج» از بند یک آمده است: «... بدون تأخیر ناموجه محاکمه شود...».

۳-۲-۳. مهلت معقول در آیین دادرسی و ادله

سند آیین دادرسی و ادله دیوان مکرراً مواعید دادرسی را مقرر داشته است. مقررات آیین دادرسی و ادله در زمینه مهلت معقول را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست مواردی را در بر می‌گیرد که مهلتی صریحاً ذکر شده و در بخش دوم بدون ذکر موعدی خاص بر مهلت معقول تأکید شده است.

۳-۲-۱. موارد مصرح مهلت معقول

آیین دادرسی و ادله در موارد مختلفی مهلت‌های خاصی را به منظور انجام برخی اقدامات در نظر گرفته است. برای مثال، در صورتی که دادستان قصد اصلاح اتهامات را متعاقب بند ۴ ماده ۶۱ اساسنامه داشته باشد، ظرف کمتر از ۱۵ روز قبل از تاریخ جلسه رسیدگی، اتهامات اصلاح شده را به همراه فهرستی از ادله که او قصد ارائه آن‌ها را در تأیید اتهامات در جلسه رسیدگی دارد به اطلاع شعبه مقدماتی و شخص موردنظر می‌رساند. همچنین اگر دادستان قصد ارائه ادله جدید در جلسه رسیدگی را داشته باشد، فهرست آن ادله را ظرف کمتر از ۱۵ روز قبل از تاریخ جلسه رسیدگی برای شعبه دادرسی مقدماتی و شخص موردنظر تهیه می‌کند. مطابق بند ۲ ماده ۱۷۳



درخواست جبران خسارت، تا شش ماه از تاریخی که شخص درخواست‌کننده از تصمیم دیوان مطلع می‌شود به آن‌جا تسلیم می‌گردد.

۲-۲-۳-۳. موارد غیرمصرح مهلت معقول

در برخی موارد، سند آیین دادرسی و ادله به جای ذکر موعدی خاص، به ذکر عباراتی چون «تسریع جریان رسیدگی» و یا «دوره زمانی معقول» پرداخته است. برای مثال، بند ۲ ماده ۱۳۲ مقرر داشته است شعبه دادرسی برای تسهیل عدالت و تسریع جریان رسیدگی، با طرفین در مورد برگزاری جلسه، در صورت لزوم، مذاکره می‌کند. همچنین دیوان در تحمیل جریمه به محکوم‌علیه باید دوره زمانی معقولی را که در آن مدت جریمه را پرداخت کند، منظور کند. دیوان می‌تواند برای پرداخت به روز مبلغ یکجا یا به صورت اقساط در خلال آن دوره تصمیم بگیرد.

۳-۳-۳. مهلت معقول در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

دیوان به‌عنوان یک مرجع عالی می‌تواند آرای را که مخالف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باشد، نقض کند و دولت مزبور را به جبران ضرر و زیان نیز محکوم سازد. در پرونده «ابراهیم گولر علیه ترکیه»^۱ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۳ [۳۷]، متقاضی در سال ۱۹۹۶ به اتهام همکاری با سازمانی سیاسی دستگیر شد و نهایتاً در ۲۰۰۹ محکوم به حبس ابد شده که این حکم مورد تأیید دیوان عالی کشور قرار گرفت. وی شکایتی را در دیوان مطرح کرد که مدت بازداشت قبل از محاکمه^۱ بسیار طولانی بوده است. شکایت وی براساس بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح شد که طی آن «هر کسی که دستگیر یا بازداشت شده باشد باید در زمان معقولی محاکمه شود یا برای محاکمه آزاد شود...». دیوان اظهار داشت که بازداشت قبل از محاکمه متقاضی از ۵ نوامبر ۱۹۹۶ با دستگیری وی شروع و در ۹ نوامبر ۲۰۰۷ با محکومیت وی پایان یافت. دیوان با

1. length of pre-trial detention

بررسی مدارک دولت ترکیه را به نقض بند ۳ ماده ۵ و ماده ۶ کنوانسیون محکوم کرد [۳۸].

۴. نتیجه‌گیری

مهلت معقول برای تضمین دادرسی عادلانه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این اصل در معاهدات بین‌المللی حقوق بشری وارد شده و دیوان کیفری بین‌المللی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آن پرداخته‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی بارها متذکر این امر شده است که دادرسی باید بدون تأخیرات ناموجه ادامه یابد؛ زیرا وجود آن را مانعی بر احقاق حق و اجرای عدالت می‌داند. به تبع آن آیین دادرسی و ادله، به موضوع مهلت معقول پرداخته و برای رعایت آن مواعیدی را مشخص کرده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز صراحتاً از «مهلت معقول» نام برده و رعایت آن را به معنای رعایت دادرسی عادلانه دانسته است. یکی از مهم‌ترین مراحل در رعایت مهلت معقول، تعیین معیار مناسب برای تشخیص مهلت معقول است. در این بین دو معیار نوعی و شخصی وجود دارد که اولی بر تعیین مهلت در ضمن قوانین و مقررات و دومی در ضمن اوضاع و احوال هر پرونده تأکید دارد. به نظر می‌رسد که هر یک از معیارهای فوق به تنهایی کافی نبوده، نیازمند معیار سومی هستیم که در آن علاوه بر تعیین مهلت معقول در قوانین و مقررات، بر این موضوع تأکید شود که در صورت فقدان نص، قاضی بتواند مهلت معقول را تعیین کند.

در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران مهلت معقول به‌عنوان یک قاعده پیش‌بینی نشده است؛ اما جلوه‌هایی از آن از قبیل الزام به صدور رأی قطعی ظرف ۶ ماه در جرائم اقتصادی و تعیین حداکثر مهلت برای بازداشت موقت وجود دارد. هرچند که در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقنن، مراجع قضایی را به رسیدگی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن ملزم کرده است و مقرر داشته که از هر اقدامی که باعث اختلال



یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری شود؛ اما مصادیق و معیارهایی برای آن ارائه نشده است. لازم است مقنن معیارهایی جهت رسیدگی در مهلت معقول و ضمانت‌اجراهایی برای نقض آن پیش‌بینی کند و یا رویه قضایی با لحاظ مطالب پیشگفته ضوابطی را ارائه کند.

۵. منابع

- [۱] آخوندی، محمود، «حق بهره‌مندی از محاکمه عادلانه»، *مجله قضایی و حقوق دادگستری*، ش ۷۷، ۱۳۷۸.
- [۲] صابر، محمود، *آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی*، انتشارات دادگستر، تابستان ۱۳۸۸.
- [۳] ناظریان، حسین، نقش حسابگری در پیشگیری کیفری از جرائم اقتصادی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، پاییز ۱۳۹۰.
- [۴] محسنی، حسن، «عدالت آیینی: پژوهشی پیرامون نظریه‌های دادرسی عادلانه مدنی»، *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۳۸، ش ۱، بهار ۱۳۸۷.
- [۵] گلدوست جویباری، رجب، اکبری، جهاندار، «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۴۹، ۱۳۸۸.
- [۶] فضائی، مصطفی، *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*، انتشارات شهر دانش، زمستان ۱۳۸۷.
- [۷] سنگلجی، محمد، *آیین دادرسی در اسلام*، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۸۰.
- [۸] قدمی، بهروز، بررسی عوامل اطاله دادرسی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، پردیس قم، ۱۳۸۲.
- [۹] درخشان، محمد رضا، اصل تسریع در رسیدگی کیفری در حقوق ایران و

- انگلستان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- [10] Chadee V. Trinidad and Tobago, United Nations Human Rights Treaties, Communication Number 813/1998, 29 July 1998, ([http:// hudoc. echr. coe. int/sites/eng/pages/search. asp](http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx): Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [۱۱] شمس ناتری، محمد ابراهیم، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، س ۴، ش ۱۴، ۱۳۸۱.
- [۱۲] رحمدل، منصور، *دادرسی عادلانه در مقررات دادرسی کیفری ایران*، در نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)*، انتشارات میزان، بهار، ۱۳۸۸.
- [13] Kant, Immanuel, *Groundwork of the Metaphysic of Morals*, London, Yale University Press New Haven and London, 2002, Last Visit: Winter 2013.
- [۱۴] قربانی، علی و موحدی، جعفر، «اصل برائت در اندیشه فقهی و فرض بیگناهی در اندیشه اروپایی»، *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، س ۸، ش ۲۶، زمستان ۱۳۹۰.
- [۱۵] صانعی، پرویز، *حقوق و اجتماع: رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی*، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- [۱۶] ماهنامه تعالی خانواده، «عوامل اطاله دادرسی»، *ماهنامه داخلی تخصصی مجتمع قضایی خانواده*، ش ۱، ۱۳۸۴.
- [۱۷] عبادی، محمد اسماعیل، «علل اطاله دادرسی و راهکارهای جلوگیری از آن: تصویب قوانین به منظور کاهش پرونده‌ها در دادگاه‌ها»، *مجله قضاوت*، ش ۴۰، مهر ۱۳۸۵.
- [۱۸] بازرگان‌زاده، مجتبی، *بررسی اطاله دادرسی در رویه قضایی دیوان اروپایی*



- حقوق بشر، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- [19] Leach, Philip, *Taking a Case to European Convention of Human Rights*, Blackstone Press Limited, First Published, (2001), (http://www.amazon.com/Taking-European-Court-Human-Rights/dp/0199585024#reader_0199585024), Last Visit: Winter 2013.
- [۲۰] صابر، محمود، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- [21] McFarlane V. Ireland, the European Court of Human Rights. Application No. 31333/06, Strasbourg, 10 September 2010, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [22] Right to a Fair Trial Under the European Convention on Human Rights (Article 6), InterRights Manual for Lawyers-Right to a Fair Trial Under the ECHR (Article 6), 2009, (www.coe.int/t/dgi/hr) Last Visit: Winter 2013.
- [23] Svinarenko and Slyadnev V. Russia, the European Court of Human Rights, Applications Nos. 32541/08 and 43441/08, Strasbourg, 17 July 2014, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Summer 2014
- [24] Lorenzi, Bernardini and Gritti V. Italy, European Court of Human Rights, Application No: 13301/87, 27/02/1992, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [25] Guillemin V. France, European Court of Human Rights, 2001, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013

- [26] Enculescu V. Romania, European Court of Human Rights, Application No: 20789/07, 19 November 2013, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Summer 2014.
- [27] Bottazzi V. Italy, European Court of Human Rights, Application No: 34884/97, 28-07-1999, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [28] Caparo V. Italy, European Court of Human Rights, Application No: 178/84, 1987, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [۲۹] آشوری، محمد، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- [30] Bock V. Germany, European Court of Human Rights, Application No: 11118/84, 29-03-1989, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.
- [۳۱] امیددی، جلیل، «حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۹، پاییز ۱۳۷۹.
- [۳۲] _____ «دادرسی کیفری و حقوق بشر»، *مجله مجلس و پژوهش*، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۲.
- [۳۳] زالمن، ماروین، سیگل، لاری، «دادرسی کیفری به‌عنوان حقوق بشر»، ترجمه جلیل امیددی، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۴۴، تابستان ۱۳۷۸.
- [۳۴] مهدیون، سید ابراهیم، «دیوان حقوق بشر»، *مجله قضاوت*، ش ۵۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.

- [۳۵] میرمحمد صادقی، حسین، «اعتبار امر مختومه در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۳۸. پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- [۳۶] حبیب‌زاده، محمد جعفر و دیگران، «قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد در حقوق کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، ویژه‌نامه حقوق، بهار ۱۳۸۴.
- [37] Ibrahim Guler V. Turkey, European Court of Human Rights, Application No: 1942/08, 15 October 2013, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Summer 2014.
- [38] Abdullah Altun V. Turkey, the European Court of Human Rights, Application No. 66354/01, 19 October 2006, (<http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx>: Reasonable Time), Last Visit: Winter 2013.